

بررسی فقهی و حقوقی بند «ل» تبصره (۱۶) قانون بودجه سال ۱۳۹۸ کل کشور و تاثیر آن بر عدالت محوری و فرهنگ سازی اجتماعی در مطالبات غیرجاری بانک ها

ناصر دلگشامهر^۱، عذرا حسن زاده دیزجی^۲

^۱ کارشناس ارشد حقوق خصوصی از دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

^۲ کارشناس ارشد فقه و حقوق اسلامی از دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد

نام نویسنده مسئول:

ناصر دلگشامهر

شماره ۱۸ / زمستان ۱۳۹۸ / ص ۶۳-۷۳
مجله علمی پژوهش در حقوق، فقه، فلسفه و الهیات (سال پنجم)

چکیده

قانون گذار به منظور حمایت از تولید داخلی بند «ل» الحاقی تبصره ۱۶ قانون بودجه سال ۹۸ را تصویب و از طریق بانک مرکزی به شبکه بانکی کشور ابلاغ و بدون لحاظ نمودن شرط مسئولیت قراردادی در قراردادهای بانکی که با توجه به شیوع آن به دلیل تنوع مسئولیت مدنی که مبنای فقهی آن بر اساس اصل آزادی اراده (العقود تابعه للقصود) بوده و مبنای قانونی آن، اصل ۱۰ قانون مدنی که اصل حاکمیت اراده افراد، هم در ایجاد عقد و آثار مترتب بر آن و هم در تمامی روابط حقوقی، حاکمیت داده می شود، اجرایی کرده است، این قانون باعث شده که دگرگونی اساسی در قراردادهای بانکی که بر اساس قوانین موضوعه تدوین و هم بانک و هم شخص مشتری منافع خود را متوازن و متعادل نموده اند، ایجاد شود، در این مقاله سعی شده است علاوه بر اینکه این بند الحاقی از لحاظ فقهی و حقوقی مورد بررسی قرار گیرد و تاثیر آن بر عدالت محوری و فرهنگ سازی اجتماعی در مطالبات غیرجاری بانک ها تبیین و آسیب شناسی شود..

واژگان کلیدی: عدالت محوری، مطالبات غیر جاری بانک ها، شرط مسئولیت قراردادی، فرهنگ سازی اجتماعی

مقدمه

قانونگذار، بند «ل» تبصره ۱۶ قانون بودجه سال ۱۳۹۸ کشور (بخشودگی سود تسهیلات اعطایی) در حکم تبصره (۳۵) قانون اصلاح قانون بودجه سال ۱۳۹۵ کل کشور تنفیذ و سقف بخشودگی سود هرگونه تسهیلات با مبلغ یک میلیارد ریال و کمتر از آن مشروط به بازپرداخت اصل تسهیلات و بخشش جریمه‌های متعلقه، تعیین و مقرر کرده که هر یک از مشمولین بخشودگی سود تسهیلات با مبلغ یک میلیارد ریال و کمتر از آن می‌توانند از زمان تصویب این قانون تا سقف یک میلیارد ریال از بخشودگی سود تسهیلات موضوع این بند استفاده کنند. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران راموظف کرده است بدون رعایت مبلغ حداکثر مطالبات بانک مرکزی از بانکها به تفکیک هر بانک مندرج در جدول ضمیمه تبصره (۳۵) قانون اصلاح قانون بودجه سال ۱۳۹۵ کل کشور به اجرای طرح بخشودگی سود تسهیلات زیر یک میلیارد ریال اقدام کند و تسهیلات اتحادیه مرکزی تعاونی‌های عشایری ایران نیز در صورت بازپرداخت اصل آن، مشمول بخشودگی سود و جریمه و استفاده از مفاد این حکم می‌شود و در نهایت، قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و بیست و یک تبصره در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ بیست و یکم اسفندماه یکهزار و سیصد و نود و هفت مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۵/۱۲/۱۳۹۷ از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام با اصلاح جزء (۴) بند «ه» تبصره (۴) و جزء (۲) بند «الف» تبصره (۱۸) و حذف یک بند از تبصره (۱۶) موافق با مصلحت نظام تشخیص داده شد. حال در این مقاله سعی شده است علاوه بر اینکه این بند الحاقی از لحاظ فقهی و حقوقی مورد بررسی قرار گیرد، تاثیر آن نیز بر عدالت محوری و فرهنگ سازی اجتماعی در مطالبات غیرجاری بانک‌ها تبیین و آسیب شناسی شود.

متن مقاله :

در بند «ل» تبصره (۱۶) قانون بودجه سال ۱۳۹۸ کل کشور قانونگذار به منظور تشویق تولیدکنندگان و تسویه مطالبات بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری چنانچه مشتریان بدهی معوق خود را تسویه نمایند، بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری مکلفند اصل و سود خود را مطابق قرارداد اولیه و بدون احتساب سود و جریمه دریافت و تسویه نمایند. شرط برخورداری از مزایای بند قانونی فوق نیز داشتن بدهی سررسید شده پرداخت نشده در پایان سال ۱۳۹۷ و همچنین تسویه آن است، از این رو چنانچه مدیونین از ابتدای سال ۱۳۹۸ تا قبل از اجرایی شدن قانون جدید، بدهی خود را بازپرداخت و یا نسبت به امهال آن اقدام کرده باشند، می‌توانند در صورت درخواست، از مزایای بند قانونی مورد اشاره برخوردار شوند. که برای روشن شدن موضوع اول تعهد قراردادی و اجرای آن تبیین می‌شود.

حقوق دانان تعهد قراردادی را به معنای اعم، تعهد مورد قرارداد و تعهد مورد شرط مندرج در قرارداد در نظر گرفته‌اند. برای مثال تعهد شخصی که یک قرارداد اجاره یا جعاله یا فروش اقساطی یا سلف را با یک شخص حقیقی یا حقوقی منعقد می‌کند در برمی‌گیرد که تعهد مربوط به مورد اصلی عقد است.^۱

اما اجرای تعهد قراردادی با این ترکیب اضافی در حقوق کشور ما تعریف نشده است به هر حال، در حقوق ایران باید اجرای تعهد قراردادی را چنین تبیین نمود: اجرای تعهد قراردادی، انجام تعهدات ناشی از قرارداد است. و بدین ترتیب انجام نقطه مقابل نقض قرارداد، عقیم شدن اجرای قرارداد از طریق عوامل غیر قابل پیش بینی و فسخ قرارداد است. و تعهد ناشی از قرارداد، نقطه مقابل تعهد ناشی از جرم و شبه جرم و مسئولیت مدنی و تعهدات ناشی از قانون است. تعهد قراردادی، شامل تعهد ناشی از ایقاع، ایجاب یک طرفه و تعهدات غیر قابل اجرا نیست؛ ولی اعم از تعهدات ناشی از عقود معین (لازم، جایز) و قرارداد می‌باشد و همچنین اعم از تعهدات مستقل و ضمن العقد، ساده و تضمین دار، تخییری و بدل دار است.

ولی در قوانین با دو وسیله از عهد شکنی متعهد قراردادی جلوگیری شده و این دومورد که درواقع نیروی الزام آور عقد را تضمین می‌کند عبارتند از ۱. اگر مدیون به رغبت وفای عهد نکند، دین را به زور از او مطالبه می‌کنند و طلبکار می‌تواند اجرای قرارداد را از دادگاه بخواهد. ۲. در صورتی که طلبکار نتواند از راه اجبار مستقیم مدیون به نتیجه برسد، می‌تواند از عهد شکن خسارت بخواهد.^۲

از امیر المومنین علیه السلام روایت است که می‌فرماید^۳... پس برای این منظور (کسانی که حقوق مردم را نمی‌پردازند) املاک و خانه‌های آنان را بگیر و بفروش.^۴

ولی ماهیت اجرای تعهد قرار دادی در قوانین و نظامهای حقوقی موجود جهان، به خوبی تبیین نشده است. و اگر در این قراردادها که خصوصاً به عناوین مختلف در بانک‌ها و موسسات مالی منعقد می‌شود، در بستر زمان انجام شده و ممکن است تحولات اقتصادی ناشی از بحرانها و حوادث و مسائل سیاسی و اجتماعی، اجرای قرارداد را با هزینه‌ای سنگین تر و شرایطی سخت تر از آنچه در زمان انعقاد قرارداد حاکم

^۱ شهیدی، مهدی، آثار قراردادها و تعهدات، ص ۳۰

^۲ کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی قواعد عمومی قراردادها، ص ۲۲۳

^۳ «...فخذ للناس بحقوقهم منهم، وبع فیها العقار والذیار»

^۴ نهج البلاغه، ۱۰۱

بوده روبرو سازد، و متعهد نمی تواند از اجرای تعهدات شانه خاله کند زیرا وقتی متعهد بپیش بینی دگرگونیها ی مزبور اجرای قرارداد را برعهده می گیرد و به این ترتیب به آن متعهد می شود.^۵

البته اگر این دگرگونی ها به هنگام انعقاد قرارداد، برای متعهد قابل پیش بینی نباشد الزام متعهد به اجرای تعهدات قراردادی بامانع روبرو می شود و در این وضعیت اصولاً باید به خاطر اینکه این قرارداد از این وضعیت خارج شود مسئله تعدیل قرارداد مطرح است که در اثر تعدیل، متعهد از شرایط طاقت فرسای بحران رهایی می یابد و می تواند همانند وضعیت عادی به اجرای تعهدات خود بپردازد.^۶

اما رابطه اجرای تعهد قراردادی با ایفای تعهد و پرداخت، رابطه عموم و خصوص من وجه است. زیرا از یک سو تعهد به ایفا و پرداخت، اعم از تعهد قراردادی است و از سوی دیگر، اجرا اعم از اجرای اختیاری است، چون اجبار به اجرا نیز امکان دارد مشکل زمانی است که تاجرو شرکت های اقتصادی و خدماتی مشاهده می کند که با تأخیر در پرداخت بدهی بانک، سرمایه نقدی بدون هزینه ای در اختیارش قرار می گیرد که می تواند با استفاده از آن معاملات سودآور داشته باشد، برای مثال تاجر می تواند برای مدت سه ماه اجناسی را بصورت نسیه خریده بود تا بعد از فروش، بهای آنرا بپردازد، حال متوجه می شود با تأخیر در پرداخت بدهی، پول حاصل از فروش را برای خود سرمایه قرار دهد و به خرید و فروش کالا و کسب سود بیشتر بپردازد. در حقوق ایران، از آنجا که طرفین اجرای تعهد در تعهدات قراردادی و خارج از قرارداد دارای اوصاف یکسانی هستند، لذا تعبیر به پرداخت کننده و گیرنده نیز به نظر بلا مانع است. هر چند همانگونه که قبلاً نیز یادآوری شد، پرداخت با اجرا رابطه عموم و خصوص دارد.^۷

نظر آقای دکتر کاتوزیان و مرحوم آیت الله کاشف الغطاء هر دو بر آن است که ماهیت اجرای تعهد به حکم قانون است و تفاوت ظاهری به حکم شرع و به حکم قانون فقط تفاوت در تعبیر است، نه تفاوت در معنی. زیرا از دیدگاه دینی شارع قانونگذار مطلق است و از سوی دیگر، پس از تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حداقل در مواردی که قانون ساکت یا متعارض است، برای حل نزاع در دادگاهها باید به فتاوی فقهی عمل شود.^۸

از لحاظ اثر عقد و تعهد باهم فرق دارند در واقع اثر عقد عبارت از تعهدهایی که بین دو طرف معامله ایجاد می شود در حالی که اثر تعهد ایجاد الزامی است که در مورد اجرای مفاد آن بر متعهد تحمیل می شود، عقد سبب ایجاد تعهد است و آثار آن با الزامی که از تعهد ناشی می شود نباید اشتباه کرد.

یعنی ایفاء تعهد، به جای آوردن تعهد، در حقیقت ساده ترین عمل حقوقی که سبب اسقاط تعهد می شود و ناچار مسبوق به وجود تعهد است و در واقع عملی است که به موجب آن متعهد آنچه را که به موجب آن متعهد آنچه را که برعهده گرفته انجام می دهد آن وفای به عهد به تأدیه چیزی که مورد تعهد بوده صورت می گیرد و برای اینکه در وفای به عهد منظور متعهدله که رسیدن بمورد تعهد بوده حاصل می شود و در امر وفای به عهد باید به مفاد آن احترام شود تکلیفی که برعهده متعهد می باشد انجام گرفته و در واقع عمل قضایی است که سبب اسقاط تعهد می شود. که دریافت کردن طلب، استیفای دین، وصول طلب را نیز اقتضاء دین می گویند.

حضرت حق جلّ علی می فرماید^۹ یعنی و وفا کنند بعهده شان زمانی که تعهد کردند، و در جای دیگر می فرماید «^{۱۰} یعنی ای کسانی که ایمان آورده اید به قراردادهایی که بسته اید و فاء کنید، و نیز می فرماید^{۱۱} اگر یاری خواستند از شما در دین پس بر شما ست، یاری مگر بر قومی که بین شما و آن ها عهد و پیمانی است. و در شرح باید گفت که حتی برای کمک به مسلمانان داشتن قرارداد و پیمان استثنای آن ها است. حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید^{۱۲} «مسلمین بر شروطشان هستند مگر شروطی که حلال خدا را حرام یا حرام خدا را حلال کند» و همچنین می فرماید «بر مسلمانان واجب است عمل به شرط هایشان، و در جای دیگر می فرماید مگر این که شرط حرام کند حلالی را، و حلال کند حرامی را.»

یعنی مسلمانان باید به پیمانهایشان عمل کنند و اینکه از نظر فقهی نیز می توان به قاعده «مؤمنین باید پای بند شرط های خود باشند» به این مضمون که در مرحله اول تسلط مؤمنین بر شروطی که در معاهدات تحت عنوان التزام و تعهدات از آن ها نام برده می شود مورد نظر است و در، مرحله بعد وجوب عمل به شرط هایی که دو طرف قرار، داده و پذیرفته اند مورد نظر می باشد، استناد نموده و موارد فوق را

^۵ شهیدی، مهدی، آثار قراردادهای تعهدات، ص ۳۸

^۶ شهیدی، همان، ص ۳۹

^۷ موسویان، سید عباس، طرح تحول نظام بانکی اصلاح قانون والگوی عملیات بانکداری بدون ربا، ص ۴۹۹

^۸ الزحیلی، وهبه، الفقه الاسلامی وادلته، ج ۷، ص ۴۹۷۲

^۹ «والموفون بعهدهم اذا عاهدوا»

^{۱۰} یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود ...»

^{۱۱} «...وان استنصروکم فی الدین فعلیکم النصراً علی قوم بینکم و بینهم میثاق ...»

^{۱۲} المسلمون علی شروطهم الا شرطاً حرم حلالاً و احل حراماً

مشروعیت داد. ۱۳، «امیرالمومنین علیه السلام می فرمایند ۱۴» همانا عهد و پیمان ها قلابه ها و گردن بندهایی است بر گردن ها تا روز قیامت پس هر کس به تعهدش عمل کند، تعهدش را نسبت به خدا انجام داده است، و هر کس نقض کند عهدش را، پیمانش را بشکند، خدا را خوار دانسته است. و هر کس حتی برای کمک به مسلمانان، داشتن قرارداد و پیمان استثناء شده است، در اینکه آیا دادن چیزی به دیگری اماره وجود دین به اوست و پرداخت کننده باید دلیل برائت ذمه بدهد تا بتواند آن را استرداد کند یا اصل برائت است و مدعی اشتغال ذمه باید دلیل بیاورد و گرنه محکوم به رد چیزی است که گرفته است.

و گفته شده است که باید میان مواردی که تعهد پولی است و مواردی که تعهد تأمین ارزش است تفاوت قائل شد. در اینکه در هر دو باید مدیون مبلغی پول پرداخت کند، مشترک است، ولی از این حیث که در تعهد به پول موضوع دین انتقال مقدار معینی ریال است بدون آنکه میزان قدرت خرید واقعی آن مورد توجه باشد متفاوت هستند. به عبارت دیگر موضوع تعهد را فقط در صورتی باید پول دانست که ضابطه تعیین مقدار آن تنها ارزش ریالی باشد، نه بهای خدمات و کالاهای دیگر. ولی در تعهد تأمین ارزش موضوع دین انجام دادن کار، انتقال ارزش معین و حصول نتیجه معینی است که باید به وسیله پرداختن پول تأمین شود و در تعهد نوع نخست هدف اجرای تعهد دادن پول است و در نوع دوم پول وسیله ۱۵

حال بانک ضمن همکاری با مشتریان سرمایه‌گذار خود، پروژه‌ای را تعریف می‌کند. در این پروژه بانک و طرف دیگر مقداری معین سرمایه‌گذاری می‌کنند. این قرارداد اولیه است. نهایتاً بعد از اتمام پروژه بانک سهم خود را به طرف دیگر می‌فروشد که این فروش مقداری سود برای بانک به همراه دارد. قرارداد اولیه مشارکت مدنی محسوب می‌شود. اما قرارداد دوم که فروش است، مصداق فروش اقساطی است. در قرارداد دوم قرار است بانک سود ببرد. حال در قانون بودجه تصمیم گرفته شده، قرارداد ثانویه را که محل سود بانک هاست حذف کنند. ولی از لحاظ شرعی و قانونی نمی‌توان با تصویب این تبصره بانک‌ها را از کسب سود منع کنیم و در ادامه انتظار داشته باشیم که سود سپرده‌ها و سود سهام‌داران را بپردازند. از سوی دیگر مالیات را هم به دولت پرداخت کنند. با کدام منابع چنین پرداخت‌هایی صورت بگیرد؟ قراردادهایی که به صورت رسمی به ثبت رسیده‌اند، سند رسمی محسوب می‌شوند و پشتوانه قانونی دارند. کسی نمی‌تواند آنها را نقض کند. اگر هم قرار بر لغو باشد، باید در بودجه سالانه، برای زیان بانک‌ها که ناشی از تصویب این قانون خواهد بود، بودجه خاصی را در نظر بگیرند که البته چنین موضوعی نیز در بودجه سال ۹۸ وجود ندارد.

اگر بانک‌های کشور بر اساس قراردادهای پیشین سودی حاصل کرده‌اند، از همان سود، مالیات مربوطه پرداخت شده است. همچنین از محل کسب این سود، سود مربوط به سهامداران هم پرداخت شده است. تدوین و اجرای چنین قانونی در نهایت منجر به ورشکسته شدن بانک‌های کشور می‌شود. لذا باید گفت علاوه بر اینکه این بند الحاقی، منطق قانونی و حقوقی ندارد، فاقد هر گونه منطق اقتصادی هم است. و این بند الحاقی یک اصل حقوقی را نقض می‌کند که در تمام دنیا معتبر است. این اصل "عطف ماسبق نشدن قانون" است که بندل الحاقی تبصره ۱۶ لایحه بودجه سال ۹۸ آن را نقض کرده است.

معمولاً در قوه مقننه هر کشوری کمیته‌ای وجود دارد که قوانین را با اصول حقوقی و سایر قوانین مادر تطبیق می‌دهد. این کمیته همان کمیته تنقیح است که وظیفه آن بررسی قوانین و میزان سازگاری آنها با سایر قوانین و اصول منطق است که این وظیفه بر عهده شورای نگهبان قانون اساسی گذاشته شده که موافقت قوانین مصوبه مجلس شورای اسلامی با قانون اساسی و شرع مقدس مورد بررسی و نظر قرار بگیرد.

حال با توجه به اینکه مدیون بودن و اشتغال ذمه امری قطعی و یقینی می‌باشد و مفهوم تکلیف و التزام به انجام عمل اعم از تعهد قراردادی و الزام خارج از قرارداد مدّ نظر می‌باشد. و معنای لزوم قرارداد این است که تنها در صورت توافق و حسن نیت دوطرف پای بند به آن باشند و پیوندی که با تراضی بوجود آمده است جز به تراضی از بین نمی‌رود و ملاک م ۲۳۹ ق.م. به خوبی نشان می‌دهد که قاعده این است که طلبکار باید به اجبار طرف قرارداد اقامه دعوا کند و تنها در صورتی می‌تواند آنرا برهم زند که این اجبار ممکن نباشد. در خانواده‌های حقوقی خصوصاً گامن لاابالخاص در حقوق انگلیس کلمه تعهد معادلی ندارد، و عبارتست از تکلیف شخصی که مدیون است به دادن، انجام دادن یا انجام ندادن چیزی به سود شخص دیگری که داین به شمار می‌آید. ۱۶

و این تعهدات از پنج طریق ایجاد می‌شود: ۱. تعهدات ناشی از قانون (مستقیم) مانند تکلیف به انفاق به فرزندان. ۲. تعهدات ناشی از قرارداد معین یا نامعین. ۳. تعهدات یکجانبه. ۴. تعهدات ناشی از جرم یا شبه آن. ۵. تعهدات ناشی از تغییر اوضاع و احوال. و دکتربین در این

۱۳ القواعد، سید کاظم مصطفوی، قاعده ۸۳، ص ۲۶۳

۱۴ آنالیهود قلاتدنی الاعناق الی یوم القیامه، فمن وصلها وصله الله، ومن نقضها خذله الله، ومن استخف بها خاصمه الی الذی اکّدها واخذ خلقه یحفظها

۱۵ جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۹۱). مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران ج ۲، ص ۵۱-۵۴

۱۶ اخلاقی، بهروز، فرهاد امام، موسسه بین المللی یکنواخت کردن حقوق خصوصی اصول قراردادهای تجاری بین المللی unidroit، ص ۳۹۶۰

خانواده حقوقی بر پایه داده های حقوق رم، حقوق تعهدات را بنا نهاده و یک عامل وحدت خانواده رومی ژرمنی با نظام مالکیت در کشورهای سوسیالیستی می باشد.

پاره ای از علمای حقوق آلمان در تعریف تعهد گفته اند « رابطه حقوقی است که به موجب آن شخصی در برابر دیگری عهده دار انجام دان امری می شود » و در شرح باید گفت که در حقوق کنونی آن امکان جدا شدن تعهد از شخصیت مدیون و طلبکار وجود دارد و امکان انتقال تعهد را می پذیرد در ماده ۱۰ کنوانسیون ۱۹۶۴ لاهه، نقض قرارداد در صورتی اساسی است که ناقض قرارداد به نحو متعارف در زمان انعقاد قرارداد بداند و طرف دیگر در صورت پیش بینی چنین نقضی هرگز قرارداد را منعقد نمی کند و در ماده ۲۵ کنوانسیون بیع بین المللی ۱۹۸۰ وین دورکن اساسی شناسایی و معرفی شده یکی ورود خسارت عمده و دیگر پیش بینی ضرر ناشی از نقض توسط ناقض قرارداد و محوریت عدم انجام تعهد محرز می باشد.^{۱۷}

آیا تعهد به پرداخت مبلغی وجه نقد از نوع تعهداتی است که موضوع آن تملیک یا انتقال مال است؟ یا آنکه پرداخت وجه نقد هم در حقیقت فعل و انجام کار به شمار می رود و از این حیث باید این قبیل تعهدات را در زمره تعهداتی که موضوع آن انجام کار است به شمار آورد؟ یا اینکه بعضی مؤلفان حقوق مدنی کشور بعضاً به تفصیل در آثار متعدد و متفاوت خود به احصاء موارد تعهد پرداخته اند و در مواضع مختلف به ذکر عنوان تعهد پولی مبادرت کرده اند.^{۱۸}

با این وصف تعهد مشتری در قراردادهای بانکی، هر چند به طور معمول با پرداخت مبلغی پول به عنوان تسهیلات اجرا می شود، مع الوصف چون موضوع اصلی آن انجام کار محسوب می شود و پول صرفاً وسیله اجرای این تعهد است جزء در مورد تعهد یعنی هم تعهد مال و هم تعهد به انجام کار محسوب می شود.

و در مواردی هم که در اثر ایراد ضرر عمدی یا خطا شخص به حکم قانون یا حسب قرارداد باید خسارت زیان دیده را تدارک نماید موضوع تعهد انجام کار است که به حکم دادگاه هزینه آن به پول تقویم می شود.

قراردادهای در زمانی که منعقد می شوند و ماده خامی که اراده ها را به هم پیوند می دهد به نهاد اجتماعی و حقوقی تبدیل می شود، قوانین گوناگون امری و تکمیلی و عرف و عادات قراردادی با آنچه تراضی بوجود آورده است مخلوط می گردد، دیگر سخنی از اراده واقعی و قصد مشترک نیست، بلکه مصالح اجتماعی بر آن حکومت می کند. حال که این اراده ها به هم پیوست و طرف باید ملتزم به مفاد عقد باشند و حق برهم زدن آنرا در همه عقود ندارند البته التزام به عقد و رعایت احترام آن بدین معنی می باشد که تا قراردادی هست باید از آن اطاعت شود خواه این پیمان لازم یا جایز باشد.

التزام به مفاد عقد از این قاعده اخلاقی سرچشمه می گیرد که شخص باید پایبند به عهد و وعده خود باشد خداوند سبحان در قرآن کریم می فرماید ای کسانی که ایمان آوردید به قراردادهایی که با هم می بندید پایبند باشید، و در جای دیگر می فرماید: « آن کسانی که عهد خدا را بعد ایجاد می شکنند ... ایشان زیانکارند » و همچنین می فرماید « و آن کسانی که عهد خدا را بعد ایجاد می شکنند ... ایشان برایشان لعنت است و برای ایشان بعد جایگاهی است »

مشهور بین فقهاء استدلال به آیات قرآن در صحیح بودن قراردادهای منعقد و لزوم آن می باشد، و کل ایجاب و قبول و لزوم عقود در عرف نیز به آن برمی گردد فقط نظر تعدادی از علماء اینست که تحقیق در مدلول عقد لازم است تا دلالتها و عدم آن لحاظ شود البته صاحب کشف در تفسیر می فرماید « و للفون بعهدهم » و عقد را عهد موثق می داند.

همچنین در اصول فقه قاعده تلازم بین حکم عقل و حکم شارع را داریم « کلّ ما حکم به العقل حکم به الشرع و کلّ ما حکم به الشرع حکم به العقل » یعنی هر چه را عقل حکم کند شارع هم حکم می کند و هر چه را که شارع حکم کند عقل می پذیرد، در شرح قسمت اول قاعده باید بگوییم هر چه را که عقل می فهمد و درک می کند شارع نیز همان گونه که عقل آن را پذیرفته، قبول می کند و دلیل این است که احکام شارع مبتنی بر مصالح و مفاسدی است که از انجام آن عمل به مردم می رسد پس زمانی که عقل کاری را به مصلحت می داند شارع هم آن را توصیه می کند و اگر عقل کاری را مضر بداند شارع هم آن را حرام می داند.^{۱۹} و در شرح قسمت دوم قاعده باید اذعان کرد هر چه را شارع و دین حکم می کند عقل نیز می پذیرد یعنی اگر دید عقل کامل می بود و بر مصالح و مفاسدی که شارع می بیند اشراف داشت او نیز مانند شارع حکم می کرد یعنی قاعده فقهی « الدین مقضی »^{۲۰} اما مسأله عقیم شدن قراردادهای هرگز یک امر موضوعی نیست بلکه در تحلیل نهایی،

^{۱۷} بلدسو، رابرت، فرهنگ حقوق بین الملل، ص ۳۸۰

^{۱۸} دادمرزی، سید مهدی، دوره حقوق تعهدات، ج ۳، ص ۲۹۳

^{۱۹} قلی زاده، احمد. (۱۳۹۰). فرهنگ اصطلاحات اصول فقه، ص ۲۷۱

^{۲۰} بجنوردی، میرزا محمد حسن. (۱۳۷۷). القواعد الفقهیه، ج ۷، ص ۱۸۷

حاوی یک نتیجه قانونی راجع به آن، این است که آیا واقعه عقیم کننده قرارداد، انجام دادن تعهدات قرارداد را به چیزی تبدیل کرده که به طور بنیادی باهدف قرارداد که بر مبنای آن ایجاد شده متفاوت است^{۲۱}

در اخلاق اجتماعی نیز روی گرداندن از عهد و پیمان ناجوانمردی نیز هست که قانون نیز ندای اخلاقی را تضمین می کند و به آن جامعه عمل می پوشاند. و مراد از وصف الزام آور بودن تعهد این است که متعهد ناگزیر از اجرای تعهد است و در حقیقت انجام موضوع تعهد بر او واجب است. تکلیف ملازمه با ذات تعهد دارد و بر همین اساس نمی توان شخصی را که در انجام کاری مختار است ملتزم و متعهد شناخت.

در قلمرو اعمال حقوقی، تعهدات ناشی از قراردادهای لازم بی تردید الزام آور است، اما در خصوص تعهدات ناشی از عقود جایز الزام آور بودن آنها مورد تردید قرار گرفته است، زیرا وقتی که متعهد می تواند قبل از اجرای تعهد خود هر لحظه که اراده کند به دلیل جواز عقد آن را بدون نیاز به هیچ تشریفات به صورت یک جانبه فسخ و خود را از قید تعهد آن آزاد نماید دیگر جایی برای الزامی بودن این قبیل تعهدات باقی نمی ماند.^{۲۲}

چیزی که الزام تعهدات ناشی از عقود جایز را سبب شده تا چنین تردیدی به وجود آید در حقیقت تصور نادرستی است که از وصف لزوم و جواز و مفهوم الزام آور تعهد در قراردادها در بعضی اذهان بوده است. و رابطه عقد و تعهد، رابطه علت و معلول است. عقد سبب ایجاد تعهد و تعهد مسبب آن است. لزوم و جواز در حقیقت وصف عقدی است که علت تعهد به شمار می رود. و از تعهد همانطور که در تعریف آمده شامل الزامات خارج از قرارداد نیز می شود و به همین دلیل است که مثلاً در اصل سقوط تعهدات قانون مدنی ایران درم ۲۶۴ به بعد به معنای اعم آن تعهد قراردادی و غیر قراردادی بکار برده شده است. و این امر یک اصل اساسی در حقوق عرفی معاهدات بین المللی بین کشورها نیز می باشد و بر طبق نظر برخی حقوقدانان بنیان حقوق بین الملل بوده و در مقدمه منشور ملل متحد آورده شده و کنوانسیون ۱۹۶۹ وین ضمن مقدمه در ماده ۲۶ بیان داشته اند: « هر معاهده لازم الاجرا برای طرفهای آن الزام آور است و باید توسط آنها با حسن نیت اجرا گردد »^{۲۳}

مضاف بر موارد ذکر شده تکلیف اخلاقی مربوط به احترام به عهد و پیمان مشروط بر این است که طرف قرارداد نیز خود را پایبند آن ببیند، در موردی که طرف قرارداد از اجرای آن خودداری می کند برای دیگری تکلیفی باقی نمی ماند و تعهد متقابل وابسته به یکدیگر بوجود می آید و التزام به عقد ناشی از این وضعیت است و اگر یکی از متعهدان به تعهد خویش عمل نمی کند دیگری نیز این حق را پیدامی کند.

مسئولیت در اصطلاح عام حقوقی به معنی متعهد و موظف بودن شخص به انجام یا ترک عملی است هر شخص مسئول گفتار و کردار خویش است یعنی دارای این خصلت و قابلیت حقوقی و اخلاقی است که هرگاه در اثر رفتار و کردار و گفتار او زبانی به دیگری وارد آید موظف به جبران می شود در برابر این مسئولیت کیفری و مدنی، مسئولیت معنوی یا اخلاقی قرارداد که عبارتست از مسئولیت وجدانی و مسئولیت در پیشگاه حضرت حق جل و علی.^{۲۴}

و سوالی که مطرح است اینست که « آیا می توان در ضمان ناشی از تخلف از تعهدات قراردادی به قاعده لاضرر استناد کرده و حکم به جبران خسارت متعهدله توسط متعهد از باب مسئولیت قراردادی نمود؟ » بیشترین حجم سؤال در این مورد امکان اثبات حکم ضمان یا مسئولیت قراردادی برای متعهد و مدیون می باشد بعضی از فقهاء مثل شیخ انصاری و پیروان او اثبات مسئولیت مدنی اعم از قهری و قراردادی را از ادله لاضرر می دانند، که ادله فوق همان طور که احکام وجودی را در بر می گیرد احکام عدمی را نیز شامل می شود و یکی از این احکام عدم ضمان متعهد است بدین گونه که اگر با عدم مسئولیت یا ضمان عامل ورود ضرر وارده به دائن جبران نشود خود این وضعیت یک حکم ضرری بوده و حکم ضمان متعهد برقراری شود و شیخ انصاری با استدلال و مقدماتی قائل به اثبات ضمان و مسئولیت از قاعده لاضرر می باشد. و این استناد شاملیت احکام عدمی با توجه به اینست که اسلام عبارتست از مجموع قواعد و مقررات شرعی است که خداوند بر مردم واجب کرده و این قواعد و مقررات اختصاص به احکام وجودی ندارد و به احکام عدم نیز شامل می شود.

و حقیقت تقصیر قراردادی در حقوق کامن لا و بعضی حقوقدانان فرانسوی جایگاه مستقلی ندارد و فاقد حقیقت شرعی است ولی نقض قرارداد را شرط ایجاد مسئولیت قراردادی نمی دانند و در بی مبالاتی و بی احتیاطی که در ضمان قهری مطرح است قلمداد کرده اند علی الاصول موقعی که در نظام حقوقی کامن لاسخن از تقصیر است همان مصادیق عمده بی احتیاطی و اهمال و بی مبالاتی است ولی با این اوصاف تقصیر قراردادی با روشهای خاص اثبات در تحلیل و تفسیر در آراء قضایی و مباحث حقوقی معرفی می شود و در حقوق فرانسه نیز تقصیر قراردادی به عنوان یکی از وجوه تقصیر مورد شناسایی قرار گرفته و قابل اثبات است.

اگر شرائط معینی رعایت شوند طرفی که تعهدش را به طور کامل انجام نداده است، می تواند اقدام جبرانی را از طریق اجرای تعهدش عملی سازد در واقع با رعایت شرائط مذکور طرفی که تعهدش را انجام نداده است می تواند زمان اجرای تعهد را برای مدتی کوتاه بیشتر از مدت

^{۲۱} اشمیتوف، کلاپام، ترجمه بهروز اخلاقی، فرهاد امام، محمد اسبقی و... (۱۳۷۸). حقوق تجارت بین الملل، ج ۲، ص ۹۸۹.

^{۲۲} امامی، سید حسن، حقوق مدنی، ج اول، ص ۳۱۶ و ۳۱۷

^{۲۳} عرفانی، محمود. (۱۳۸۸). حقوق تجارت تطبیقی، ص ۲۱۷

^{۲۴} جعفری لنگرودی، محمد جعفر، تعهدات، ص ۲۱

شرط شده در قرارداد را تمدید کند مگر اینکه بر طبق توافق طرفین یا باتوجه به اوضاع و احوال اجرای به موقع مقتضی باشد بدین ترتیب از حفظ اعتبار قرارداد، حمایت شده و سیاست به حداقل رساندن اتلاف اقتصادی را مد نظر قرار بدهند.

هنگامی که دادگاه خطاب به یک طرف قرار اجرای تعهد را صادر کند می‌تواند مقرر کند که طرف مزبور در صورت عدم رعایت مفاد قرار، جریمه بپردازد. و جریمه باید به طرف زیان دیده پرداخته شود مگر اینکه در مقررات امری قانون مقرر رسیدگی، به نحو دیگری مقرر شده باشد. پرداخت جریمه به طرف زیان دیده مانع از مطالبه خسارات نمی‌شود.

یعنی در برخی از نظام‌های حقوقی، تهدید به جریمه ای که از طریق قضایی برای انجام ندادن کاری تحمیل می‌شود مؤثرترین وسیله تضمین برای اطاعت و پیروی از احکام مبتنی بر دستور اجرای تعهدات قراردادی است. در برخی دیگر از نظام‌های حقوقی برعکس این ضمانت اجراها به این دلیل مقرر نمی‌شوند که موجب مزاحمت و مداخله غیر قابل قبول در آزادی‌های شخصی تلقی می‌شوند.^{۲۵}

هدف از اخذ تضمین و تنظیم قرارداد های رهنی تملیک یا بازداشت اموال و یا حقوق مالی متعهدین قراردادهای و سایر مستندات قانونی نبوده بلکه این امر صرفاً تمهیدی برای الزام مشتری به ایفاء تعهدات ناشی از قرارداد و استیفاء حقوق و وصول مطالبات بانک می باشد چه در صورت عدم وجود چنین الزاماتی سرمایه های بانک که بایستی به منظور استقرار نظام پولی و اعتباری بر مبنای قسط و عدل اسلامی در جهت سلامت و رشد اقتصادی کشور استفاده شود از مسیر اصلی خود باز مانده و اهداف بانکداری اسلامی تحقق نخواهد یافت بنابر این با در نظر گرفتن هدف اصلی از ارائه خدمات و اخذ تضمین در مواردی که مشتریان و متعهدین قراردادهای در انجام تعهدات قانونی و قراردادی خود تاخیر می نمایند.^{۲۶}

الگوی بانکداری اسلامی بدون ربا یک ابزار یارزش است که می تواند نه فقط برای کشورهای اسلامی که برای تمامی کشورها اگر به طور کامل و نه اسمی و صوری بکار گرفته شود منافع زیادی ایجاد کند، و در نتیجه ای به سوی توسعه است برخلاف کشورهای غربی که توسعه را فقط مادی می دانند توسعه اخلاقی و معنوی را مدنظر قرارداده و در نهایت منجر به تجربه رشد در زمینه های فقر، نابرابری در کشورهای کمتر توسعه یافته شود.

ولی با توجه به وضعیت نظام بانکی پیشنهادی برای سامان دادن بانک ها و دیگر مؤسسات اعتباری غیر بانکی میباشد که عمر چندانی ندارند و اجرای درست آن و رفع اشکالات و بروز کردن با عنایت به فقه پویایی که اسلام از آن بهره مند است که همیشه می تواند بروز باشد، و هدف آن رسیدن به عدالت اجتماعی و اقتصادی و احکام معاملات است باعث توسعه اقتصادی جامعه اسلامی می شود و با استفاده از احکام نجات بخش اسلام که مثل روحی در کالبد بی جان است و با رعایت قانون عملیات بانکداری بدون ربا می توان از یک طرف به آسان و روان شدن معاملات بانکی می انجامد و از طرف دیگر با سلیقه ها و احتیاجات مشتریان متناسب است و این باعث کاهش هزینه های قراردادهای واقعی تر شدن آنها می شود. البته در جاهایی که ظاهراً بعضی مشکلات شرعی مشاهده یا از عملیات بانکی استنتاج می شود علما و فقهاء معزز می توانند نسبت به تغییر احکام و تبیین زمانی آن بناء بر ضرورت و حاجت از باب اصل «الضرورات تبیح المحظورات» اقدام مقتضی بر اساس مصالح مسلمین بعمل آورند که این تغییر در فتاوی و احکام، موجب تغییر در نصوص قرآن و حدیث نیست که این تغییر باعث خروج از اسلام می شود اما این تغییر در واقعیتها واقع می شود و بر آن نص منطبق می شود.

و قوانین موضوعه باید بانک ها و مؤسسات اعتباری را به سمت تفکیک بخش های سه گانه غیر انتفاعی و تجاری و تخصصی سوق دهد. و برای کاهش فقر از طریق تأمین مالی بنگاههای کوچک و متوسط، گسترش فعالیت های کشاورزی و روستائی و رفاه عمومی اجتماع و کاهش نابرابری اجتماعی تلاش ویژه داشته باشند و از مسلط شدن سفیهان، نامتعهدان و غیر متخصصان و نفوذیان خوش ظاهر بر اموال و برنامه ریزیهای مالی بانکها جلوگیری شود که در یکی از نوشته های حضرت علی علیه السلام به اهل مصر مذکور است حضرت می فرماید «من رنج می برم از اینکه بی خردان و تبهکاران این امت حکمرانی را بدست آورند و مال خدا (اموال عمومی) را دست به دست میان خود بچرخانند» و بر پایه مفهوم بانکداری جامع اسلامی در کشور عملاً گذاشته شود.

بسیاری از بانکها و مؤسسات مالی اسلامی در کشورهای مختلف به هنگام نکول مدیونین در بازپرداخت مطالبات، وجه التزام و جبران خسارت رانیز علاوه بر سود مجاز دانسته و آن را به عنوان سازوکاری بازدارنده در برابر نکول و عدم بازپرداخت تعهدات مالی مشتریان بر مبنای قراردادهای اسلامی اعلام می‌کنند. با وجود در نظر گرفتن دستورالعملهای مختلف در ارتباط با جریمه تأخیر تأدیه در کشورهای اسلامی لازم به ذکر است که از نظر اصول شریعت، بانکها به اندازه خسارت ناشی از عدم انجام تعهدات مشتریان می‌توانند میزان جبران خسارت دریافت شده بر مبنای زیان واقعی حاصله را به عنوان درآمد در ترازنامه خود وارد کنند.

از این رو دو مسئله مطرح می‌شود؛ یکی مربوط به جبران خسارت است که بانکها و مؤسسات مالی می‌توانند بدهکاری را که در پرداخت بدهی تأخیر کرده است، موظف به پرداخت هزینه‌هایی کنند که طلبکار برای شکایت و بازپس گرفتن اصل پول خود متحمل آنها شده است؛

^{۲۵} کاشار، الویه، ترجمه رسول رضایی (۱۳۹۰). حقوق تجارت بین الملل، ص ۱۸۱

^{۲۶} میشکین فردریک، مترجم علی جهانبخانی و علی پاسایان (۱۳۷۸). پول و ارز و بانکداری، ص ۳۰۴

چراکه این بدهکار بوده است که موجب پدیدآمدن چنین هزینه‌هایی شده است. این راهکار که برپایه موازین شرعی استوار است، واز لحاظ قانونی نیز مجاز شمرده شده است. با این شرط که بدهکار در بازپرداخت بدهی‌ها قصد نکول و تأخیر داشته باشد و همچنین با اعسار و ورشکستگی واقعی مواجه نباشد. و مورد دیگر مربوط به وجه التزام است که بانک‌ها و مؤسسات مالی می‌توانند بدهکار را وادار به اداء دین کنند.

و اینکه آیا آیه شریفه یا ایهاالذین آمنوا بالعقود « که ای کسانی که ایمان آوردید به تعهدات خود وفا کنید شامل تعهد مدیونین بانکها و مؤسسات مالی نمی شود؟ و تأخیر درپرداخت دیون که این تأخیر ناشی از تخلف مدیون باشد آثار سوء اجتماعی و اقتصادی برجای می گذارد و دربرنامه های اقتصادی بانکها و مؤسسات مالی اختلال ایجاد می کند و این مشکل در بازپرداخت اقساط تسهیلات، موجب ناتوانی بانکها و مؤسسات مالی در قبال سپرده گذاران می شود و باعث می گردد ذخایر احتیاطی را افزایش دهند و این باعث ناکارآمدی مؤسسه و بانک می شود.

نتیجه گیری و پیشنهاد:

از جمله اهداف بانکداری اسلامی ارائه خدمات و تسهیلات بانکی به مشتریان و کسب سود مشروع و کارمزد قانونی در قبال تضمین های معتبر می باشد، در اصل باید گفت نظام بانکی ایران دچار دگردیسی شده است ولی متأسفانه بند الحاقی تبصره ۱۶ لایحه بودجه سال ۹۸ منطق قانونی و حقوقی ندارد و فاقد هر گونه منطق اقتصادی به علت عطف ماسبق نشدن قانون "می باشد که آن را نقض کرده است. با عنایت به اینکه قانون را نمی توان عطف بماسبق کرد. اگر در گذشته قوانینی وجود داشته که مردم بر اساس آن رفتار کرده اند و بر اساس همان قوانین قراردادهایی را تدوین نموده اند، امروز دیگر نمی توان آن قراردادهای پیشین را ملغی کرد به هر حال بر طبق آن قوانین، افراد قراردادهایی را منعقد کرده اند و هر دو طرف منافع خود را متوازن و متعادل نموده اند. حال اگر یک طرف این قراردادها را ضمن قانونی جدید از مزایای پیشین محروم کنند و در عوض طرف دیگر حاکم شود، این بند الحاقی فاقد ساختار منطقی - اقتصادی - حقوقی بوده، رویکرد غیرعادلانه است.

و همچنین با منطق عدالت اجتماعی و قواعد اقتصاد عدالت محور نیز سازگاری ندارد زیرا افراد قراردادهایی را منعقد کرده و توافق نموده اند. حال اگر یک طرف این قراردادها را ضمن قانونی جدید از مزایای پیشین محروم کنند و در عوض طرف دیگر حاکم شود و برعکس در جامعه باعث خواهد شد این فرهنگ سازی غلط در جامعه حاکم شود که با عدم پرداخت بموقع نه تنها هیچ مسئولیت حقوقی ندارند بلکه نیازی نیست سود و خسارت بپردازند و بانک ها موظفند که بر اساس پرداخت اصل تسهیلات موصوف را تسویه کنند و این فرهنگ سازی خلاف عدالت باعث خواهد در چند سال آینده معضل سرفصل های غیرجاری بانک ها اگر راهکار عدالت محوری پیشه نشود به بحران برای بانک ها تبدیل شود.

تصویب این قوانین می طلبد که مدیران محترم بانک ها کاهش ریسک را مد نظر قرارداد داده و به علت اینکه ماهیت بانک اسلامی بسیار انعطاف پذیر می باشد نظام امنیت اجتماعی را برای کارایی تقسیم ریسک بالابردن تا مردم بتوانند بانک اسلامی را از خود بدانند، و میان تقسیم ریسک و محرک های فردی ارتباط وجود داشته باشد به گونه ای که اگر امروز توده مردم از بانک منتفع می شوند فردا خود را ملزم به ادای تعهد بدانند و درآمد خود را از بانک اسلامی پنهان نکنند و بانک نیز در جای خود از آنها حمایت کند و سرمایه مورد لزوم برای بخشهای مختلف مدنظر واقعی نه اسمی قرارداد داده شود. و در نتیجه باعث کارایی ثبات اقتصادی، پایداری مالی، ریسک پذیری، مشارکت عمومی و رشد اقتصادی بالا و بطور کلی اثرات مثبت بسیار زیاد بر توسعه جامعه اسلامی و پایداری آن می گذارد. و بانک ها نیز خود را موظف کنند سرمایه گذاری های بد را کنار بگذارند، و ازاموال فردی و اجتماعی و ملی در قالب منابع بانک ها در برابر بهره برداری نابجا و غارت آنها به عناوین مختلف محافظت بعمل آید و ضمن هوشیاری در روابط اقتصادی که وارد آن می شوند اموال بانک ها را معطل هم نگذارند و اقتصاد اسلامی اقتضاء دارد که قواعد توزیع و عدالت در آن در هر زمان و مکان رعایت شده و ثابت و صالح باشد و توازن اجتماعی نهادینه شود و در جای بهینه استفاده کنند

اینکه رسالت بانک مرکزی خیلی نقش مهمی بوده که تاکنون متأسفانه به نحو احسن اینکار را انجام نداده و از پتانسیل شورای فقهی منتخب از طرف مقام معظم رهبری که قبلاً به صورت مشورتی در بانک مرکزی موجود بود بصورت رکن درآمد و اعضای فقهی آن با پیشنهاد شورای مدیریت حوزه علمیه قم و با حکم رهبری منصوب شده اند استفاده بهینه خصوصاً در مورد بند ل تبصره ۱۶ قانون بودجه و نظایر آن نکرده است.

کلام آخر اینکه، با اذعان به نواقص این کار چشم به اعمال نظر و انتقادات بهینه و شایسته اندشمندان فرهیخته علم حقوق، خصوصاً اساتید محترم و معزز دوخته ایم که ما را از باران رحمت علمشان محروم نفرمایند، باشد که این مقاله روبه بهبود رفته و مورد قبول واقع شود و دعای هر روز ماست که «اللهم ارنا الحق حقاً و ارزقنا اتباعه، و ارنا الباطل باطلاً و ارزقنا اجتنابه».

مراجع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- نهج البلاغه (۱۳۸۱). مترجم محمد دشتی، چاپ ۲۲، قم، انتشارات هادی.
- ۳- اتاق بازرگانی بین المللی (۱۳۷۹). اینکوترمز ۲۰۰۰، مترجم مسعود طارم سری، چاپ اول، تهران، مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.
- ۴- البوت، کاترین ورنون (۱۳۸۲). نظام حقوقی فرانسه. مترجم صفر بیگ زاده، چاپ، تهران، مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی.
- ۵- احمد السنهوری، عبدالرزاق (۱۳۸۲). دوره حقوق تعهدات، مترجم محمد حسین دانش کیا و غیره، جلد دوم، چاپ اول، قم، دانشگاه قم.
- ۶- اشمیتوف، کلاپام (بی تا). حقوق تجارت بین الملل، مترجم بهروز اخلاقی و غیره، جلد دوم، چاپ اول، تهران، دانشگاه تهران
- ۷- امامی، سید حسن (۱۳۷۰). حقوق مدنی، جلد اول، چاپ هشتم، تهران، اسلامیه.
- ۸- بهرامی، حمید (۱۳۹۱). حقوق تعهدات و قراردادهای، تهران، دانشگاه امام صادق، چاپ اول.
- ۹- پلانیول و غیره، آندره (۱۳۶۸). فعالیتهای بانکی بین المللی، مترجم شیرین هشترودی، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ اول.
- ۱۰- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۷). اندیشه و ارتقاء، تهران، چاپ گنج دانش.
- ۱۱- خدابخشی، عبدالله (۱۳۹۱). حقوق داوری و دعاوی مربوط به آن در رویه قضایی، تهران، انتشار، چاپ اول.
- ۱۲- داراب پور، مهرباب (۱۳۹۱). قواعد عمومی حقوق تجارت و معاملات بازرگانی، تهران، جنگل، چاپ دوم.
- ۱۳- دی ام، جولیان و غیره (۱۳۹۱). داوری تجاری بین المللی تطبیقی، مترجم محمد حبیبی مجنده، قم، دانشگاه مفید، چاپ اول.
- ۱۴- سماواتی، حشمت اله (۱۳۶۸). خسارات ناشی از عدم انجام تعهد در حقوق ایران و نظامهای حقوقی دیگر، تهران، مولوی، چاپ اول.
- ۱۵- شهیدی، مهدی (۱۳۹۱). حقوق مدنی (آثار و قراردادهای و تعهدات)، جلد ۳، تهران، مجد، چاپ اول.
- ۱۶- شهیدی، مهدی (۱۳۸۲). حقوق مدنی (آثار و قراردادهای و تعهدات)، جلد اول، مجد، تهران، چاپ.
- ۱۷- عرفانی، محمود (۱۳۸۸). حقوق تجارت تطبیقی، تهران، جنگل، چاپ اول.
- ۱۸- عمید زنجانی، عباس (۱۳۸۲). موجبات ضمان، تهران، نشر میزان، چاپ.
- ۱۹- کاشار، اولیویه (۱۳۹۰). ترجمه رضایی، رسول، حقوق تجارت بین الملل، تهران، مهر و ماه نو، چاپ اول.
- ۲۰- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۱). حقوق مدنی نظریه عمومی تعهدات، تهران، میزان، چاپ ششم.
- ۲۱- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵). قواعد عمومی قراردادهای، تهران، انتشار، جلد ۱، چاپ هفتم.
- ۲۲- کاشانی، سید محمود (۱۳۸۸). حقوق مدنی قراردادهای ویژه، تهران، نشر میزان، چاپ اول.
- ۲۳- کروینونکن و غیره، جان (۱۳۹۰). مقدمه ای بر اقتصاد نهاد گرا، مترجم اصلا ن قودجانی، تهران، مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی، چاپ اول.
- ۲۴- محقق داماد و غیره (۱۳۹۱). حقوق قراردادهای در فقه امامیه، جلد ۲، قم، سبحان، چاپ دوم.
- ۲۵- میشکین فردریک، مترجم علی جهانخانی و علی پاسایان (۱۳۷۸). پول و ارز و بانکداری کتابهای عربی:
- ۱- الانصاری، شیخ مرتضی (۱۴۱۴ ه. ق). رسائل فقهیه، قم، باقری، طبعه الاولى.
- ۲- الزحیلی، وهبه (۲۰۰۷ م). الفقه الاسلامی و ادله، جزء ۱، دمشق، دارالفکر، الطبعه ۱۰.
- ۳- الزحیلی، وهبه (۲۰۰۷ م). الفقه الاسلامی و ادله، جزء ۷، دمشق، دارالفکر، الطبعه ۱۰.
- ۴- الفاروقی، حارث سلیمان (۲۰۰۸ م). المعجم القانوني، بیروت، مکتبه لبنان، الطبعه الثالث.
- ۵- معجم فقه الجواهر (۱۴۲۲ ه. ق). جزء ثالث، یاران، طبعه.
- ۶- معجم فقه الجواهر، جزء الاول، یاران، طبعه ۲، ۱۴۲۲ ه. ق.

- ۷- معجم فقه الجواهر ، جزء الثاني، ياران ، طبعه ۲، ۱۴۲۲ ه.ق.
- ۸- دشتی، محمد وغيره. (۱۴۰۶ ه.ق.). المعجم المفهرس لالفاظ نهج البلاغه، قم، موسسه النشر الاسلامی، طبعه الاول .
- ۹- جهاد، سنا. (۱۹۹۷ م).، معجم الطالب والكاتب ، بيروت، مكتبه لبنان، طبعه اولی.